

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

شباهنگ راد
۲۷ می ۲۰۱۴

جامعه و اعتراضات مردمی!

چند وقتیست که فضای ایران تغییر یافته است. غمزده سیاسیست و دلیل آن را می‌توان از چند جنبه مورد بازنگری و بررسی قرار داد. فرسودگی و بی‌ثمری اعتراضات کارگری - توده‌ئی، خاموشی و به عبارتی بی‌تحرکی عملی جناح‌های رقیب حکومتی، سوار نمودن عناصر دجالی همچون خاتمی و روحانی و آن‌هم در دوره‌های متفاوت - و به‌عنوان سوپاپ اطمینان نظام امپریالیستی - بر سر جنبش‌های اعتراضی، و سر آخر فقدان اپوزیسیون - سازمان و جریان - سازمان‌یافته در درون و به‌عنوان نیروی محرک و سازمانده‌کننده جنبش‌های اعتراضی کارگری - توده‌ئی، از زمره مواردیست که جامعه ایران هم‌اکنون با آن رو در رو می‌باشد.

طبعاً می‌توان و می‌شود بر موارد فوق، نکاتی را اضافه نمود و از میان همه آن‌ها، استنتاجات سیاسی و عملی خود را به بیرون کشید؛ اما و در این‌میان، آنچه را که آشکار و مبرهن می‌باشد، آن است که شور و شوق اعتراضی - با هر مضمون و تعینی - در درون جامعه افت نموده است و نظام در این چند وقت و با اتخاذ سیاست‌های ریاکارانه کوشیده است، انرژی‌های مثبت جنبش‌های اعتراضی را تخلیه و از دامنه و باروری پتانسیل مبارزاتی بکاهد. به بیانی دیگر، حکایت جنبش‌های اعتراضی ایران، حکایت یک‌سویه است. دامنه‌ها و مانورها، یک‌نواخت است و کمتر، جامعه شاهد دستیابی به حقوق لگندمال شده میلیون‌ها انسان زحمت‌کش است. این نظام به‌همراه دار و دسته‌های رنگارنگش، تلی از خرابی بر جای گذاشته و بیکاری از مرز چند میلیونی عبور نموده و غارت اموال عمومی هم توسط غارت‌گران، میلیاردیست. اسارت و بردگی همان مسیری را طی می‌کند که از آغاز بوده است. زمان گذشت و اما گذشت زمان و علی‌رغم پیش‌رفت‌های متفاوت - و به ویژه در عرصه ارتباطات -، نصیب مردم نشده است. سودها و ثمره‌های جامعه به خزانه بی‌انتهای سرمایه‌داران سرازیر می‌شود و ارگان‌های سرکوبگری همچون سپاه پاسداران و به‌عنوان حامی مستضعفان!!، وظایفش چند گانه شده و اقتصاد جامعه را در دست خود قبضه نموده است. این ارگان مخوف جدا از تعرض به جان و مال میلیون‌ها انسان زحمت‌کش، تنفس خودی‌ها را هم کنترل می‌کند. تصاحب و به انحصار در آوردن تمامی شرکت‌های ساختمانی، الکترونیک، راه‌سازی، گمرک، حوزه‌های نفتی، سدسازی و ایجاد قراردادهای کلان نظامی و غیره و غیره، این ارگان را در رأس دیگر نهادها و ارگان‌های غارتگر نظام وابسته جمهوری اسلامی قرار داده است، تا جایی‌که صدای رفسنجانی را در آورده و اعلام نموده است که: "در زمان بازسازی بعد از جنگ، سپاه را وارد فازهای اقتصادی و سازندگی نمودیم و درست هم بود، اما حالا سپاه به کل هم قانع نیست".

آری، ورود سپاه پاسداران به چنین عرصه‌ای، بر دامنه تضادهای درونی نظام افزود؛ تضادهایی که بعضاً تجلی خود را در لشکرکشی‌های خیابانی - انتخاباتی نظام به نمایش گذاشته است. از یک‌طرف جنگ و دعوای درونی نظام بر سر سهم‌خواهی جناحی، حقیقیست و از سوی دیگر و به نوبه خود باعث گردیده است تا زمینه‌های اعتراضات اقتشار محروم

و متفاوت جامعه را فراهم آورد و در این اثناء، بخشی از مردم کلیت نظام را نشانه گیرند. نمونه‌ها در این زمینه فراوانند و برآستی سؤال این است که چرا مدت‌ها و دهه‌هاست جنبش ایران - من‌حیث‌المجموع - به دنباله بخش‌هایی از جناح‌های حکومتی - دولتی تبدیل گردیده است و فاقد طرح و خواسته‌های مشخص و همچنین مرزبندی قاطع و روشن با حامیان سرمایه می‌باشد؟ سؤال دیگر آن‌که، چرا مدت‌هاست، جامعه شاهد جنب‌وجوش مردمی نیست؟

در کنار ورود و پاسخ به سوالات فوق یک نکته اساسی قابل انکار نبوده و لازم به تأکید می‌باشد آن است که در این چند دهه، مردم به سهم و توان - و آن‌هم در عرصه‌های متفاوت -، از خود جسارت و تحرکی نشان داده‌اند و انتظاری فراتر از آنها، بیهوده و به نابجاست. مردم در صحنه بودند و ماحصل و ثمره سیاسی - اقتصادی آن به جیب جناح‌های متفاوت و نظام رفته است.

سوءاستفاده از انرژی زنان و اعتراضات جوانان و مردم در این چند دهه و به تبع آن‌ها فقدان نتایج لازمه و ثمربخش بر این حقیقت صحنه می‌گذارد که همه هدف جناح‌های متفاوت نظام، کنترل پائینی‌ها و سهم‌بری هر چه بیشتر از اموال عمومی و نعمات جامعه به نفع جناح‌های خودی‌ست. مضافاً این‌که به اثبات رسیده است هیچ‌گونه همسویی و همخوانی سیاسی - اقتصادی مابین کارگران و دیگر ستم‌دیدگان، با حامیان متفاوت نظام نیست. قطعاً منظور و مقصود جناح‌های رقیب حکومتی - دولتی، محترم شمردن به حقوق مردمی، پاکیزگی مبارزات کارگری و همترازی با منفعت محرومان نیست و همواره و همواره، جانمایی همچون روحانی، رفسنجانی و خاتمی، نقش سوپاپ اطمینان نظام‌های امپریالیستی را در دوره‌های متفاوت ایفاء - نموده و - می‌نمایند و تجمع حول آنان، با هر نیت و منطقی، مضر، گمراه کننده و در خدمت به ائتلاف انرژی‌ها و عقب‌گردهاست. ده‌ها فاکت را می‌توان ردیف نمود و نشان داد که امر انقلاب ایران، در همسویی مردم، با دست‌جات، جناح‌ها و دولت‌هایی همچون دولت‌های "اصلاح‌طلب" و "امید و تدبیر" - نبوده و - نیست. متأسفانه جنبش ایران به اندازه کافی از دست این جناح‌ها، عناصر و دولت‌ها صدمه دیده است و به میزان و به‌مراتبی گسترده‌تر، به عقب بر گشت.

حقیقتاً که خالصی جنبش دارای کمیت پائین‌تر، به‌مراتب، به از جنبش‌ها و اعتراضات با کمیت بیشتر است. تنها چنین اعتراضاتی قابل دفاع‌اند و لازم است تا جامعه به این سمت هدایت شود و بدون کمترین شک و شبهه‌ای، وظیفه آن بر عهده حکومتیان و دولت‌های رنگارنگش نیست. این دولت‌ها و عناصر اساساً در چنین جایگاهی قرار نگرفته‌اند و برای تحقق چنین امری ساخته نشده‌اند. نجات و جهت‌بخشی اعتراضات مردمی بر دوش نمایندگان حقیقی و سیاسی کارگران و زحمتکشان است و تردیدی در آن نیست که جنبش‌های اعتراضی نیاز به سازمان قوی و سازمانده دارد؛ نیاز به سازمان‌دهی دارد که دور یک سوبه را تغییر دهد و بر کیفیت مبارزات کارگری - توده‌ای بیفزاید. دهه‌هاست که - من‌حیث‌المجموع - محرکان و زمینه‌های بروز اعتراضات مردمی تغییر یافته است و بی دلیل هم نیست که علی‌رغم گستردگی و علی‌رغم زیاد اعتراضات کارگری - توده‌ای، جامعه شاهد پیش‌رفت آن‌چنانی و تحقق خواسته‌های محرومان نبوده است. نظام‌های امپریالیستی بر این امر اشراف دارند و می‌دانند که با وجود چنین اوضاعی، شالوده‌شان مورد تعرض و صدمه جدی قرار نگرفته و نظام سرمایه‌داری پابرجا خواهد ماند و در مطلوب‌ترین شکل، به جابه‌جایی بالایی‌ها و ایجاد تنش‌های گسترده به منظور پاسخ‌گویی به بحران درونی‌شان و همچنین به تخطئه و به انحراف کشاندن مبارزات توده‌ای منجر خواهد گردید.

شوربختانه چنین ربلی مدت‌هاست بر فضای اکثر کشورها سایه انداخته و به‌عینه مشاهده شده است که سود آن نه تنها به جیب مردم، بلکه به کیسه نظام‌های سرمایه‌داری رفته است. بی‌گمان تغییر مسیر فعلی جوامع متفاوت و از جمله جامعه ایران بر دوش همه جویندگان راه رهائی‌ست. بر مبنای چنین وظایف معین و بدیهی، در درجه نخست چپ ایران - و به ویژه نیروها و عناصر خارج از کشوری - نیاز به خانه‌تکانی سیاسی جدی داشته و در ثانی لازم است تا به این

جمع‌بندی عملی دست یابد که تحرک نیروهای سیاسی از جانب توده‌ها، می‌بایست جای خود را به تحرک توده‌ها از جانب نیروهای سیاسی دهد. تنها در چنین بستر و روندیست که ثمره‌های اعتراضی قابل رؤیت خواهد بود و نظام را با مشکلات اساسی و جدی روبه‌رو خواهد ساخت. ترس همه نظام‌ها و از جمله نظام امپریالیستی ایران، از ورود به چنین وضعیتیست. مسلماً انجام چنین وظایفی بر دوش کمونیست‌هاست و بدون اتخاذ سیاست صحیح و برنامه روشن، و بدون به نبرد فراخواندن عملی ارگان‌های متفاوت سرمایه، امر انقلاب کارگری - توده‌ئی به پیش نخواهد رفت و در دست‌اندازهای سرمایه گیر خواهد کرد. به باوری، هر انقلابی با بُرش مبارزاتی کمونیست‌ها گره خورده است و تا مادامی‌که جامعه ایران از فقدان سازمان و جریان کمونیستی در رنج و عذاب می‌باشد، سرمایه همچنان و علی‌رغم تصادمات و ناملایمات سیاسی درونی، دست بالا را خواهد داشت و استثمار و سرکوب کارگران و زحمتکشان را پی خواهد گرفت.

۲۵ می ۲۰۱۴

۴ خرداد [جوزا] ۱۳۹۳